مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۳
Print ISSN: 2664-9144

تغییرات ژیوپولیتیکی خاورمیانه و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین‌المللی

محمد امین شیخ‌ازده[1]

چکیده

ژیوپولیتیک خاورمیانه تأثیر مهمی بر صلح و منازعه‌ی بین‌المللی دارد. هدف ما در این تحقیق فهم و درک عامل ژیوپولیتیک خاورمیانه بر صلح و ثبات بین‌المللی است. این‌تحقیق با روش علی ـ تبیینی انجام شده‌است و روش گردآوری اطلاعات در آن، به‌صورت اسنادی–کتاب‌خانه‌ای می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق را می‌توان اینگونه مطرح کرد که، تغییرات ژیوپولیتیکی خاورمیانه چه تأثیراتی بر صلح و ثبات بین‌المللی دارد؟ با مفروض این‌که ژیوپولیتیک خاورمیانه نقش مهمی در نوع مناسبات بین‌المللی دارد؛ فرضیه‌ی ما این است که با توجه به ساختار غیرمتجانس داخلی این منطقه و موجودیت منازعات گفتمانی در آن و آسیب‌پذیری آن در برابر قدرت‌های بین‌المللی، بیشتر از این‌که باعث صلح و ثبات شود، موجب منازعه در منطقه و عرصه‌ی بین‌المللی می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات ژیوپولیتیک در خاورمیانه، با تأثیرپذیری از عواملی منطقه‌ای و بین‌المللی، به شکل‌گیری قطب‌بندی‌های متنوعی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی ـ امنیتی در این منطقه انجامیده که در ایجاد نوع الگوی رفتاری (تعارضی و صلح‌جویانه) در سطح منطقه و جهان تأثیرگذار بوده است. طوری‌که در عرصه‌ی اقتصادی موجب ایجاد صلح و تعامل و در عرصه‌ی سیاسی ـ امنیتی زمینه‌ی منازعات و نابسامانی‌های پیچیده‌ای را در منطقه و بهتبع آن در نظام بین‌المللی فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: ژیوپولیتیک، خاورمیانه، صلح، جغرافیای سیاسی، واقع‌گرایی

1. Samangan.boy0093@gmail.com

۱. مقدمه

در این تحقیق، ژیوپولیتیک خاورمیانه و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین‌المللی بررسی می‌شود. پس اهمیت این تحقیق به دو مورد خلاصه می‌شود: یکی «تحلیل ژیوپولیتیکی» به‌عنوان یک روی‌کرد اساسی در تحلیل مسایل جدید سیاسی و دیگری توجه به خاورمیانه به عنوان یک منطقه‌ی ژیواستراتیژیک در وضع کنونی نظام بین‌المللی. نخست این‌که، ژیوپولیتیک یکی از پرکاربردترین مفاهیم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است، امروزه نگاه ژیوپولیتیکی یکی از روی‌کردهای مهم در تحلیل مسایل سیاسی به حساب می‌رود، تاجایی‌که بی‌اعتنایی به نقش ژیوپولیتیک در تحلیل مناسبات و تعاملات سیاسی ناقص و گمراه‌کننده خواهد بود (عزتی, ۱۳۹۰, ص. ۱). دوم این‌که، خاورمیانه با توجه به ویژگی ژیوپولیتیک خود همواره محور توجه قدرت‌های بین‌المللی بوده است. چون خاورمیانه از یک‌طرف خاست‌گاه و زادگاه ادیان ابراهیمی در تاریخ گذشته‌ی خود بوده است که از منظر فرهنگی، محملی برای تقابل گفتمان‌های متفاوت فکری و سیاسی می‌باشد. از طرف دیگر و از منظر ژیوپولیتک، نقطه‌ی تلاقی سه قاره‌ی بزرگ جهان اروپا، آسیا و افریقا است که از این لحاظ به عنوان مسیر انتقال اموال تجارتی در میان مناطق فوق‌الذکر تاثیر منحصربه‌فرد دارد (کوهستانی ن. , ۱۴۰۲)، لذا بررسی تأثیر ژیوپولیتیک خاورمیانه بر صلح و منازعه‌ی بین‌المللی از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است.

این تحقیق را با توجه به رهنمودهای تحقیقی این‌گونه انجام می‌دهیم که، ابتدا به تشریح مفاهیم اساسی ژیوپولیتیک، خاورمیانه و صلح و ثبات بین‌المللی می‌پردازیم تا خواننده با مباحث اصلی موضوع آشنا شود. سپس، برای درک پیشینه‌ی تحولات ژیوپولیتیک، به‌بررسی تغییرات ژیوپولیتیکی و عوامل تعیین‌کننده‌ی آن در خاورمیانه می‌پردازیم؛ طوری‌که دراین قسمت با قطب‌بندی‌های داخلی منطقه‌ی خاورمیانه، تقابل گفتمانی در آن و جناح‌بندی‌های ژیواکونومیک موجود معرفت پیدا خواهیم کرد. در ادامه، چگونگی فعالیت و مداخله‌ی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در این منطقه و نقش آن‌ها بر شکل‌دهی مناسبات و تغییرات ژیوپولیتیکی در این نوار شکننده را مورد توجه قرار می‌دهیم و در اخیر تأثیرات این تغییرات بر صلح و ثبات بین‌المللی را بررسی می‌کنیم.

این تحقیق برای درک و فهم تغییرات ژیوپولیتیک و نقش آن بر صلح و ثبات بین‌المللی انجام شده است، لذا این تحقیق از لحاظ هدف، یک «تحقیق بنیادی» به حساب می‌آید. سوال اصلی این تحقیق را می‌توان اینگونه مطرح کرد که، تغییرات ژیوپولیتیکی خاورمیانه چه تاثیراتی بر صلح و ثبات بین‌المللی دارد؟ با مفروض این‌که ژیوپولیتیک خاورمیانه نقش مهمی در نوع مناسبات بین‌المللی دارد؛ فرضیه‌ی ما اینست که با توجه به ساختار غیرمتجانس داخلی این منطقه و موجودیت منازعات گفتمانی در آن و آسیب‌پذیری آن در برابر قدرت‌های بین‌المللی، بیشتر از این‌که باعث صلح و ثبات شود موجب منازعه در منطقه و عرصه‌ی بین‌المللی می‌شود. پرسش‌های فرعی که در این مقاله به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارت‌اند از: ژیوپولیتیک چیست؟ عوامل ثابت و متغیر ژیوپولیتیک کدام‌ها اند؟ خاورمیانه چه نوع منطقه‌ی جغرافیایی است؟ مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه کدام‌ها اند؟ روش تحقیقی به‌کاررفته در این مقاله، علی ـ تبیینی است و نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق اسنادی ـ کتاب‌خانه‌ای می‌باشد.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

با یک مرور کلی نسبت به منابع چاپی و الکترونیکی، منابع مربوط به ژیوپولیتیک به سه‌دسته قابل تقسیم اند. یک، منابعی مربوط به مباحث نظری و کلی ژیوپولیتیک، که زیادترین منبع در این مورد نوشته شده است یعنی اکثر از نویسندگان در مورد مهم‌ترین نظریات ژیوپولیتیکی و معرفی دانشمندان ژیوپولیتیک پرداخته اند. دوم، بخش دیگری از منابع در زمینه‌ی تغییرات ژیوپولیتیکی توجه نموده است. می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین خاصیت‌های مفاهیم اجتماعی، متحول بودن آن است. مفهوم ژیوپلیتیک هم از این قاعده مستثنا نبوده و در طول زمان دچار تغییر و تحول معنا شده است بخش مهمی از منابع ژیوپولیتیک، تغییرات ژیوپولیتیک و نظم‌های ژیوپولیتیک را مورد بررسی قرار داده‌اند. سوم، موضوع دیگری که در منابع ژیوپولیتیک از سوی نویسندگان این حوزه مورد توجه قرار گرفته است، بررسی رابطه‌ی متقابله‌ی ژیوپولیتیک با موضوعات دیگر نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... می‌باشد، این‌که ژیوپولیتیک چه نقشی بر این مسایل دارد و چه‌قدر از این عوامل تأثیرپذیر است؟ می‌دانیم که یکی از این موضوعات مورد بررسی، مسئله جنگ و صلح و رابطه‌ی آن با ژیوپولیتیک است. با این تمهید، می‌توان گفت، این تحقیق بیشتر شامل نوع سوم از منابع ذکر شده می‌باشد، زیرا در این تحقیق، رابطه‌ای ژیوپولیتیک و صلح مورد بررسی قرار گرفته است.

از لحاظ دیگر، منابعی مربوط به سابقه‌ی این تحقیق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: کتاب‌ها و مقاله‌ها. کتاب‌های این بخش در یک نگاه کلی به‌دو دسته قابل تقسیم اند: یک، کتاب‌هایی‌که نویسندگان افغانستانی نوشته‌اند و دیگری کتاب‌هایی‌که توسط دیگران نوشته شده‌اند. نویسندگان هم‌وطن ما به ژیوپولیتیک که یک موضوع جدید در علوم اجتماعی است، کمتر توجه کرده اند. تنها کتابی مورد توجه در این زمینه نوشته‌ای سردارمحمد رحیمی تحت عنوان «ژیوپولیتیک قرن بیستم افغانستان؛ تحولات، روی‌کردها و پیامدها» است. رحیمی در بخش اول این کتاب ضمن بررسی مباحث مفهومی و نظری ژیوپولیتیک، خصوصیات ژیوپولیتیک افغانستان و عناصر موثر (متغیر و ثابت) بر آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش دوم کتاب، تغییرات نظم ژیوپلیتیکی در قرن بیستم را بررسی نموده و تاثیر آن بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های اولیای امور سیاسی افغانستان را تحلیل می‌کند (رحیمی, ۱۳۹۷, ص. ۴) در بخش نویسندگان کتاب‌های بیرونی، سه دانشمند از میان ایرانیان در این زمینه پیش‌قدم بوده‌اند؛ محمدرضا حافظنیا (اصول و مفاهیم ژیوپولیتیک)، پیروز مجتهدزاده (جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی) و عزت الله عزتی (ژیوپولیتیک). از جمع کتاب‌های انگلیسی، «ژیوپولیتیک نظام جهانی» از ساموئل‌کوهن، یکی از بهترین کتاب‌های حوزه‌ی ژیوپولیتیک است. طوری‌که قبلا یاد کردیم این کتاب‌ها بیشتر به مسایل نظری و کلی ژیوپولیتیک می‌پردازد.

در جمع مقاله‌ها، نویسندگان افغانستانی مقاله‌ی درخور توجهی در حوزه‌ی ژیوپلیتیک نوشته نکرده اند. نویسندگان دیگری در بیرون از افغانستان، بیشتر در مورد اهمیت ژیوپلیتیک خاورمیانه، تغییرات ژیوپولیتیکی در این منطقه و تضادهای گفتمانی موجود در این حوزه را مورد بررسی قرار داده اند. مثلا، مقاله‌های «نظام بین‌الملل و ژیوپولیتیک جدید خاورمیانه» ازمحمود سریع‌القلم، «جایگاه خاورمیانه در اندیشه‌های ژیوپولیتیک» نوشته‌ی جعفر قامت، در مورد اهمیت ژیوپولیتیک خاورمیانه نوشته شده است. مقاله‌های مانند؛ « نگرشی نو در بازتعریف مفهوم ژیوپولیتیک صلح» از افشین متقی، «تحولات ژیوپولیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها» از امیر قدسی،

تغییرات ژیوپولیتکی در خاور میانه را تحلیل کرده اند. و مقاله‌های چون؛ «چالش‌های سیاست‌گذاری امنیتی خاورمیانه در عصر بحران‌های ژیوپولیتیک» از عباس مصلی‌نژاد، «ژیوپولیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها» از یزدانی و شجاع، «تحلیلی بر کلان‌روایت‌های ژیوپولیتیکی مسلط در خاورمیانه» نوشته‌ی وحید کیانی، موضوع تضادهای گفتمانی و جبهه‌بندی‌های ژیوپولیتیک در خاورمیانه را توضیح داده اند (یزدانی & شجاع, ۱۳۸۶)، (کیانی, ۱۳۹۷)، (متقی, ۱۳۹۷). می‌بینیم که در این مقاله‌ها از رابطه‌ی ژیوپولیتیک خاورمیانه و صلح سخن نرفته است. تفاوت این تحقیق در اینست که تاثیر تغییرات ژیوپولیتیک خاورمیانه بر صلح را تحلیل کرده است.

۳. مباحث مفهومی و نظری

۱.۳ «ژیوپولیتیک واقع‌گرایانه» به عنوان نظریه و چارچوب تحلیل

ژیوپولیتیک به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در تحلیل نظریهٔ واقع‌گرایی مطرح است (شیهان, ۱۳۸۸, ص. ۳۷). واقع‌گرایی به عنوان یک نظریه‌ی خردگرا و ماده‌محور بر «عوامل مادی قدرت» در عرصه‌ی بین‌المللی تاکید دارد. مهم‌ترین مفروضه‌های واقع‌گرایی قرار ذیل است:

- منابع طبیعی به عنوان عامل قدرت؛
- نگاه بدبینانه به ذات انسان؛
- تاکید برداشتن نیروی نظامی؛
- داشتن توانایی اقتصادی بازیگران؛
- انارشیک دانستن نظام بین‌الملل و منازعه‌آمیز بودن مناسبات بین‌المللی؛
- دولت‌محوری در تحلیل ساختاری و اقدام مبتنی بر منافع ملی نسبتا ثابت بازیگران؛
- ژیوپولیتیک به عنوان یک مفهوم اساسی و حیاتی دانستن تحلیل ژیوپولیتیکی مناسبات بازیگران (قاسمی, ۱۳۸۹, ص. ۴۸)

با توجه به موارد فوق می‌بینیم که ژیوپولیتیک به‌عنوان یکی از مفروض‌های اساسی در نظریه‌ی واقع‌گرایی مطرح است. ژیوپولیتیک از رابطه بین سیاست و جغرافیا بحث می‌کند و نقش عوامل جغرافیایی بر فعالیت سیاسی را بررسی می‌کند (هیوود, ۱۳۹۶, ص. ۱۴۳) به این معنا که در این رشته‌ای از دانش به اهمیت عوامل محیطی و زمینی بر کنش‌های سیاسی اشاره می‌شود. این‌که عواملی چون موقعیت جغرافیایی، شکل و وسعت سرزمینی یک بازیگر، توپوگرافی یک کشور یا منطقه، به چه میزانی بر مسایل سیاسی‌ـامنیتی آن تأثیرگذار است؟ این مسایل در نظریه‌ی واقع‌گرایی به‌صورت خاصی مورد توجه است، زیرا واقع‌گرایان عوامل جغرافیایی را به عنوان یکی از کانونی‌ترین عوامل مادی قدرت می‌دانند و نقش آن را در کسب قدرت بازی‌گران و بهبود پرستیژ آن در روابط بین‌المللی مهم ارزیابی می‌کنند (مورگنتا, ۱۳۷۴, ص. ۱۳۷) لذا در این تحقیق از «تیوری ژیوپولیتیکی واقع‌گرایانه» (کوهن, ۱۳۷۸) برای تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

۲.۳ تعریف مفاهیم

۱.۲.۳ ژیوپولیتیک: تعریف‌های متنوعی از ژیوپولیتیک ارایه شده است. دانشمندی به نام رادلف‌کیلن[1] کسی است که اصطلاح ژیوپولیتیک را بهکار برد و آن را به‌عنوان «تیوری دولت به‌عنوان یک ارگانیسم جغرافیایی یا پدیده‌ای در فضا توصیف می‌کند».

چند تعریف دیگر از ژیوپولیتیک را قرار ذیل مرور می‌کنیم:

- مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت (مجتهدزاده, ۱۳۹۶, ص. ۲۲)
- ژیوپولیتیک از لحاظ لغوی به معنای سیاست زمین و از لحاظ اصطلاحی دانشی است که توسط آن نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود. یعنی نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره‌کننده‌گان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد، به عبارت دیگر اولیای امور سیاسی به آن حدی که تصور می‌شود در انتخاب روش‌های سیاسی آزاد نیستند، بلکه تصمیم‌گیری‌های آن‌ها متأثر از عوامل زیادی منجمله عوامل جغرافیایی است که این عوامل نقش مهمی در چگونگی اقدام و افعال کنش‌گران سیاسی بازی می‌کند (عزتی, ۱۳۹۰).
- همچنان، دانشمند دیگری تعریفی ساده و مهمی از ژیوپولیتیک ارایه کرده است که تعریف مورد پسند ما دراین تحقیق به‌حساب می‌آید «به‌صورت کلی ژیوپولیتیک دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است» (جان پرور & قربانی سپهر, ۱۳۹۶, ص. ۴۹).

۲.۲.۳ تفاوت جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی: در مورد ارتباط این دو مفهوم نظریات گوناگون ارایه شده است، تعدادی ژیوپولیتیک را بخشی از جغرافیای سیاسی میدانند، بعضی از دانشمندان این دو مفهوم را در سطوح متفاوت مورد تحلیل قرار می‌دهند؛ طوری‌که جغرافیای سیاسی در سطح تحلیل ملی مورد توجه قرار می‌گیرد و ژیوپلیتیک در سطح نظام بین‌الملل کاربرد دارد. یعنی تأثیرات انسان بر جغرافیا بیشتر در حوزه داخلی و ملی تاثیرگذار است، در حالیکه تأثیرات عوامل جغرافیایی کل نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات جهانی دارد (مجتهدزاده, ۱۳۹۶, ص. ۲۳). به‌رغم توجه به تفاوت دیدگاه‌ها در این مورد، ساده‌ترین و بهترین نوع ارتباط بین این مفاهیم را یکی از ژیوپولیتیسن‌های ایرانی ارایه کرده است. نویسنده‌ی مطرح ایرانی، دکتر پیروز مجتهدزاده، در ارتباط به تفاوت جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی/ ژیوپولیتیک این‌گونه توضیح می‌دهد:

«جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیری‌های انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط‌های انسانی مشخص‌شده (کشور)، چون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و... مطالعه می‌کند، در حالی‌که ژیوپولیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی) وسایل ارتباط جمعی و

1 Rudolf klein

... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به ویژه در سطوح گسترده‌ی منطقه‌ای و جهانی مطالعه و بررسی می‌کند» (مجتهدزاده, ۱۳۹۶, ص. ۱۳۸).

۳.۲.۳ خاورمیانه: خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی‌که در دل آن منطقه خلیج فارس به منزله‌ی هارتلند جهانی قرار دارد (مجتهدزاده, ۱۳۹۶, ص. ۲۸۴). واژه‌ی خاورمیانه در یکی از محدودترین تعریف‌ها، به منطقه‌ی نفوذ انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم؛ یعنی به فلسطین، ماورای اردن و عراق اطلاق میشد. اما در حال حاضر خاورمیانه شامل ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه جزیره عربستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و سودان است (قدسی, ۱۳۹۰, ص. ۳).

خاورمیانه منطقه‌ی جغرافیایی است که وصلکنندهی سه قاره‌ی اروپا، آسیا و افریقا میباشد. این منطقه جغرافیایی به دلیل موقعیت منحصربه‌فرد خود همواره مورد توجه نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران سرشناس بین‌المللی بوده است. طوری‌که ژیوپولیتیسین‌های مطرح جهانی نام‌ها و القاب معروفی را برای این منطقه به‌کار بردهاند. مهم‌ترین بحث‌های ژیوپلیتیکی مربوط به خاورمیانه با دانشمند معروفی به نام هال‌فورد مکیندر[1] آغاز می‌شود. مکیندر بیان می‌کند که خاورمیانه به دلیل هم‌جواری با هارتلند و دسترسی به آب‌های آزاد، بهترین موقعیت استراتژیک را هم برای تهدید هارتلند و هم برای دفاع از آن در اختیار خاورمیانه عربی قرار داده است (کوهستانی, نامی, & یزدان‌پناه درو, ۱۳۹۹, ص. ۳) آلفرد ماهان آمریکایی با برجسته دانستن جایگاه سوق‌الجیشی خاورمیانه، نقش این منطقه را نسبت به مهار و توقف روسیه حیاتی می‌داند. برنارد کوهن[2] این منطقه را به نام «کمربند شکننده» یاد می‌کند (کوهن, ۱۳۷۸, ص. ۹۶). هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها، خاورمیانه را به قلب جهان اسلام تشبیه می‌کند. مجتهدزاده، دانشمند ایرانی، خاورمیانه را به‌عنوان «هارتلند جدید» و بزرگترین مخزن نفتی جهان نام می‌برد (مجتهدزاده, ۱۳۹۶, ص. ۲۳) و (قامت, ۱۳۸۸, ص. ۲).

٤.۲.۳ صلح: صلح در اصل یک کلمه‌ی عربی است که از لحاظ لغوی به معنای آشتی و مصالحه کردن است (ابن منظور, ۱۳۷۵, ص. ۳۸۴). بنابراین صلح در لغت به معنای سازش کردن، آشتی و تراضی میان متنازعین است (ده‌خدا, ۱۳۷۳). به عبارت دیگر تعریف لغوی صلح به معنای عدم وجود جنگ، تعارض و خشم است. در حالیکه تعریف اصطلاحی صلح به معنای روابط صلح‌آمیز بین افراد، گروهها یا کشورها است. صلح اغلب بر اساس دو مفهوم عدم جنگ و احترام به حقوق بشر تعریف می شود (خوب‌روی‌پاک, ۱۳۹۱, ص. ۱۸).

۴. عوامل مؤثر بر ژیوپولیتیک خاورمیانه:

عواملی‌که در ژیوپولیتیک مؤثر اند به دو دسته‌ی کلی «عوامل ثابت» و «عوامل متغیر» تقسیم می‌شوند (ژرژ, ۱۳۴۹, ص. ۲۸) عوامل ثابت در حقیقت، همان پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی هستند و عوامل متغیر که ممکن است بعضی از آنها نیز منشأ طبیعی داشته باشند به دلیل نقش کمیت در آنها، جزء عوامل متغیر محسوب می‌شوند.

۱.٤ عوامل ثابت ژیوپولیتیک خاورمیانه: مهم‌ترین عوامل ثابت ژیوپولیتیک قرار ذیل اند:

- موقعیت جغرافیایی؛
- منابع طبیعی؛

1. Halford John Makinder
2. Bernard Kohn

- توپوگرافی منطقه‌ی خاورمیانه؛
- تغییرات زیست‌محیطی؛

۱.۱.٤ موقعیت جغرافیایی: «اساساً موقعیت عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین» (عزتی, ۱۳۹۰, ص. ۷۶). نتیجه‌ی عدم توجه به درک موقعیت جغرافیایی، گسترش وسیع مشکلات ژیوپولیتیک را به همراه خواهد داشت. لذا در مطالعه‌ی روابط بین کشورها و سیاست خارجی واحدهای سیاسی، پیش‌گرفتن یک راه و روش خاص، به موقعیت‌های جغرافیایی آن‌ها بستگی دارد. در یک دیدگاه کلی یک بازیگر از دو نوع موقعیت می‌تواند برخوردار باشد: یکی موقعیت مساعد و دیگری موقعیت غیرمساعد. بازیگران زیادی هستند که با داشتن موقعیت مناسب جغرافیایی، نه‌تنها استفاده‌ی بهینه‌ای از موقعیت شان نمی‌توانند بلکه با دخالت دیگران نیز مواجه میشوند. اما دولت‌هایی هستند که از موقعیت مساعدشان بهشکل درستی استفاده کرده و با یک رویکرد فعالانه از مواهب و مزایای جغرافیا استفاده بهینه می‌برند. خاورمیانه در نقطه‌ی تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد و به عنوان خط مرزی بین شرق و غرب به عنوان دامنه‌ی دو قدرت بزرگ جهانی، یعنی غرب و شرق، اهمیت دارد. از این دیدگاه منطقه‌ی خاورمیانه به مثابه‌ی چهارراه تلاقی قاره‌های قدیم جهانی، با داشتن منابع غنی نفت و گاز و موقعیت ژیواستراتژیک که تنگه‌ها و آب‌راه‌های مهمی در آن وجود دارد، از جای‌گاه منحصربه‌فردی برخورداراست، ولی همواره این موقعیت سوق‌الجیشی عاملی برای مداخلات قدرت‌های بزرگ بوده است و در اثر رقابت‌های هویتی داخلی، کانون بحران و نابسامانی بوده است (عزتی, ۱۳۹۰, ص. ۸۰).

۲.۱.٤ منابع طبیعی: منابع طبیعی نیز یکی از مهم‌ترین عوامل ژیوپولیتیک به حساب می‌رود، منطقه‌ی خاورمیانه از لحاظ منابع طبیعی یکی از مناطق غنی در جهان است. طوری‌که شصت‌ودو درصد ذخایر نفت جهان در خاورمیانه و شمال افریقا وجود دارد (عزتی, ۱۳۹۰, ص. ۱۰۰). موجودیت منابع طبیعی بر پیشرفت و توسعه‌ی هر منطقه و کشوری می‌تواند مفید باشد و هر ملتی را به‌سوی خوش‌بختی و زندگی مدرن سوق دهد و باعث پرستیژ قدرت آن در صحنه‌ی بین‌المللی شود اما موجودیت منابع زیاد «نفت وگاز» در خاورمیانه نقش تخریب‌کننده داشته است تا جایی‌که بعضی از دانشمندان، نفت را «بلای خاور میانه» می‌دانند. نفت از دو لحاظ به‌نام بلای خاورمیانه نام‌گذاری شده است. اول این‌که، از لحاظ داخلی موجودیت نفت فراوان موجب تقویت رژیم‌های اقتدارگرا، شکاف طبقاتی در جامعه، مطلق‌العنانیت زمام‌داران سیاسی و به ناز و نعمت کشانده شدن آن‌ها، شده است و حتی از پول‌های گزاف نفت برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب استفاده می‌شود. دوم این‌که، وجود نفت فراوان به‌عنوان یک منبع تجدیدناپذیر، زمینه را برای حضور و مداخلات قدرت‌های بزرگ جهانی در این منطقه فراهم کرده است؛ امری‌که همواره موجب خلق بحران‌های زمین‌گیر و منازعات زمان‌بر در این منطقه‌ی جغرافیایی شده و هرکدام از کشورهای ابرقدرت در صدد استفاده‌ی این منطقه به عنوان یک تخته‌ی خیز برای اهداف استعماری شان بوده‌اند. (هیوود, ۱۳۹۶, ص. ۵۰).

۳.۱.٤ توپوگرافی منطقه‌ی خاورمیانه: توپوگرافی که به نام عارضه‌نگاری و مکان‌نگاری نیز یاد می‌شود، به‌معنای موقعیت مکانی و فرازونشیب زمین می‌باشد. فرهنگ عمید از این مفهوم چنین تعریفی ارایه می‌کند: «نقشه‌برداری از موقعیت طبیعی، محلی یا ناحیه‌ای باشرح چگونگی آن» (عمید، نسخه‌ی الکترنیکی).

توپوگرافی و سطح زمین و خاک یک دولت یا منطقه بر پیشرفت یا عقب‌ماندگی آن تأثیرگذار است. یکی از عوامل بحران‌های ژیوپولیتیک در منطقه‌ی خاورمیانه داشتن توپوگرافی منحصربه‌فرد این سرزمین است.

٤.١.٤ تغییرات زیست‌محیطی: محیط زیست و تغییرات آن به‌عنوان یکی از مفاهیم و مباحث جدید در عصر کنونی مطرح است و تاثیرات شگرفی بر سیاستگذاری‌های عمومی نیز دارد و در ایجاد بلوک‌بندی‌های ژیوپولیتیک از نقش انکارناپذیری برخوردار است. دراین میان، وقتی به مسایل زیست‌محیطی و تغییرات آن در خاورمیانه توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که این عامل، چه تأثیرات عمده‌ای بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و قطب‌بندی‌های ژیوپلیتیک دارد؟ در یک نگاه اجمالی، مهم‌ترین موارد محیطزیستی که باعث ایجاد مشکلات در خاورمیانه شده است عبارت از: گرم شدن زمین، بحران کم‌آبی، جنگل‌زدایی، خیزش و افزایش ریزگردها، آلودگی هوا و آلودگی آب، کاهش حیوانات خشکی و دریایی و... هستند. گرم شدن زمین مشکل اساسی دیگری است که موجب بیماری‌های واگیردار و مشکلات صحی می‌شود، کویت کشوری است که بالاترین درجه‌ی گرمی در سطح جهان را تجربه کرده است. رسیده‌گی به مشکلات محیط زیستی در کنار ده‌ها مشکل دیگر در این منطقه، وضعیت سیاسی و اقتصادی منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حل و رفع آن اگر ناممکن نباشد خیلی دشوار به‌نظر میرسد (ملکی, ۱۳۹۷, ص. ۱–۵).

٢.٤ عوامل متغیر ژیوپولیتیک خاورمیانه: مهم‌ترین عوامل متغیر ژیوپولیتیک عبارت اند از:

- تغییرات سیاسی؛
- رقابت قدرت‌های بزرگ؛
- اختلافات مذهبی و قومیتی؛
- مسایل جمعیتی و مهاجرت؛
- نهادهای سیاسی_اجتماعی؛

١.٢.٤ تغییرات سیاسی: تغییرات در رژیم‌های سیاسی و نهادهای دولتی، اعتراضات و انقلاب‌های مردمی هر کشور می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای بر ژیوپولیتیک منطقه تأثیرگذار باشد. در خاورمیانه اکثر دولت‌ها نظام‌های اقتدارگرا و بسته دارند. آزادی‌های اساسی وجود ندارد و توجه به افکار عمومی صورت نمی‌گیرد. تغییرات سیاسی در خاورمیانه معمولاً به اشکال خشونت‌آمیز و حمایت قدرت‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. این مسئله باعث تقویت هرچه بیشتر رژیم‌های اقتدارگرا می‌شود (مصلی‌نژاد, ۱۴۰۳, ص. ۵). اقتدارگرایی بر تشدید رقابت‌ها می‌افزاید، بازیگران منطقه‌ای را از اتخاذ رویکردهای استراتژیک دور میسازد و اقدامات تاکتیکی را روی میز تصمیم‌گیری‌ها ظاهر می‌سازد.

٢.٢.٤ رقابت بین قدرت‌ها: در نظم ژیوپولیتیک خاورمیانه هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی روابط بین بازیگران مبتنی بر منازعه و رقابت است. طوری‌که در عرصه‌ی داخلی دولت‌های سه‌گانه‌ی ایران، عربستان و ترکیه و در سطح بین‌المللی قدرت‌های مانند چین، روسیه، آمریکا و بعضی از بازیگران دیگر نسبت به مسایل خاورمیانه رقابت‌های سختی با هم دارند و هر کدام در پی تقویت حضور خود و کاهش نقش رقبا در این منطقه هستند. این امر موجب تشدید بحران‌های ژیوپولیتیک در خاورمیانه شده است و دلیل اینهمه

رقابت و کشمکش هم اهمیت ژیوپولیتیک خاورمیانه است. این مسئله در قسمت بعدی مقاله به‌طور مفصل‌تر توضیح داده خواهد شد.

۳.۲.٤ اختلافات مذهبی و قومیتی: از آن‌جایی‌که خاورمیانه از ساختار غیرمتجانس و موزاییکی برخوردار است، مشکلات عدیده‌ای در بخش‌های گوناگون در این منطقه وجود دارد، مشکلات قومی_مذهبی، سیاسی_امنیتی و اقتصادی_تکنولوژیکی. این منطقه در دام درگیری‌های «ژیوپولیتیک وحشت» گرفتار شده است. مناقشات قومی، مذهبی، فروپاشی دولت‌ها، تروریسم، جنگ‌های داخلی و غیره با ماهیتی تصاعدی، انباشتی و مُسری در منطقه به چشم می‌خورند. اینگونه تصویری از درگیری‌های بی‌انتها را ترسیم می‌کنند. در چنین شرایطی، چشم‌انداز بازسازی نظم منطقه‌ای نامحتمل به‌نظر می‌رسد (موسوی شفایی, ۱۳۹۵, ص. ۳).

٤.۲.٤ مسایل جمعیتی و مهاجرت: امروزه مسایل جمعیتی چون رشد و افزایش جمعیت، مهاجرت‌ها و کیفیت نیروی انسانی، از مهم‌ترین عوامل مورد توجه در علوم سیاسی است. جمعیت کارا و زیاد از دو بُعد اقتصادی و نظامی برای دولت‌ها نقش مهم دارد زیرا با موجودیت نیروی انسانی کافی، نیروی نظامی قوی وموثر ساخته می‌شود. هم‌چنان نیروی انسانی با مهارت در پیشبرد امورات اقتصادی نقش مهم می‌گیرد و در پیشرفت و توسعه‌ی آن تأثیر بسزا و حیاتی دارد. اما مهم این‌است که این جمعیت از روحیه‌ی خوب و مهارت‌های تکنولوژیک و فکری برخوردار باشد (هیود، ۱۳۹۶:۱۴۲). خاورمیانه از این لحاظ دچار مشکلات فراوانی است طوری‌که در قدم نخست، خاورمیانه از لحاظ ساختار اجتماعی غیرمتجانس است. اقوام مختلف و مذاهب گوناگونی در این منطقه وجود دارند. بی‌کاری‌های جمعیتی، آمدن نیروهای انسانی با مهارت از سایر مناطق در این‌جا، مشکلات زیادی را خلق کرده است. (سریع‌القلم, ۱۳۹۶).

۵.۲.٤ نهادهای سیاسی و اجتماعی: با این‌که از آغاز سده‌ی اخیر نقش نهادها در مسایل سیاسی و اقتصادی برجسته شده است، اما در خاورمیانه نقش نهادها در بخش اقتصادی بیشتر است و در مسایل سیاسی کمتر تاثیرگذار هستند. در منطقه‌ی خاورمیانه فعالیت سکتورهای خصوصی در زمینه‌ی مسایل اقتصادی فعال است و نقش مهمی را در مناسبات ژیوپلیتیک بازی می‌کنند. اما در عرصه سیاسی با موجودیت رژیم‌های اقتدارگرا فرصتی زیادی برای بازی‌گران غیردولتی داده نمی‌شود. اکثر تعاملات سیاسی از آدرس دولت‌ها یا تحت نظارت شدید آن‌ها اجرا می‌شود. فقط در زمینه‌ی منازعات فکری و ایجاد خشونت‌های مذهبی مراکز دینی و گروه‌های رادیکال اسلامی تاثیر انکارناپذیر و تخریب‌کننده‌ای دارند.

این عوامل تعامل پیچیده‌ای میان خود دارند و تأثیرات مختلفی بر روندها و روابط ژئوپولیتیک خاورمیانه دارند. تحلیل و فهم این عوامل برای درک بهتر از وضعیت فعلی و آینده این منطقه ضروری است.

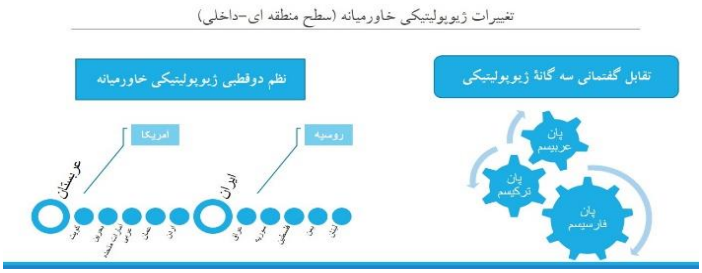
۵. تحولات معاصر در ژیوپولیتیک خاورمیانه و نقش آن بر صلح و ثبات بین‌المللی

به‌طور کلی، تغییرات ژئوپولیتیکی اثرات گسترده‌ای بر صلح و ثبات بین‌المللی دارد و باید با دقت و توجه زیادی در نظر گرفته شود تا بتوان به دنبال تدابیر و راه‌کارهایی منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت صلح و ثبات در جهان بود. در این بخش از مقاله به نقش تغییرات ژیوپولیتیکی خاورمیانه بر صلح و ثبات بین‌المللی می‌پردازیم. برای فهم ساده‌تر، این مسئله را در دو سطح تحلیل بررسی می‌کنیم. نخست سطح تحلیل منطقه‌ای و دیگری سطح تحلیل جهانی. در سطح تحلیل منطقه‌ای، ساختارها و قطب‌بندی‌های جدید ژیوپلیتیک را مورد توجه قرار

می‌دهیم و نقش قدرت‌های منطقه‌ای را در ایجاد ساختارهای جدید، بررسی می‌کنیم که چه تأثیری بر مناسبات سیاسی و اقتصادی در این حوزه‌ی جغرافیایی دارد و در نهایت برای شکل‌دهی الگوهای رفتاری، منازعات و یا همکاری‌های منطقه‌ای چه نقشی را بازی می‌کنند؟ در سطح تحلیل جهانی تاثیرگذاری عوامل خارجی و نقش قدرت‌های بزرگ، خاصتاً سه قدرت جهانی روسیه، آمریکا و چین را در ایجاد ساختارهای جدید ژیوپولیتیک در خاورمیانه مورد کنکاش قرارداده و تأثیرات آن را بر صلح و ثبات به بررسی می‌گیریم.

۱.۵ تحولات ژیوپولیتیک داخلی خاورمیانه

۱.۱.۵ نظم دوقطبی ژیوپولیتیک درخاورمیانه: با یک نگاه کلی مسامحتاً می‌توان گفت بعد از فروپاشی نظم دو قطبی در سطح نظام بین‌الملل، ما شاهد شکل‌گیری یک نظم دو قطبی در منطقه‌ی خاورمیانه هستیم. در این نظم دو قطبی یک طرف ایران و همکاران سیاسی_امنیتی آن و طرف دیگر عربستان و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس است. در این نظم ژیوپلیتیک دوقطبی، کشورهای ترکیه و عراق رویکرد تناوبی و مقطعی دارند که بهطور مثال در مسئلهی آزادی‌خواهی کردها با ایران هماهنگی دارند و در مسئله‌ی تعامل با اسراییل طرف‌دار رویکرد عربستان هستند. البته هریک از این طرف‌ها، نگاهی همکاری‌جویانه به‌سوی یکی از قدرت‌های بزرگ بین‌المللی دارند، طوری‌که ایران و متحدین آن، با روسیه همکاری‌های سیاسی و امنیتی دارند درحالی‌که جبهه‌ی عربستان و همکارانش، از کمک‌های امریکا بهره می‌برند (سریع‌القلم, ۱۳۹۶).



البته باید گفت که اعضای هر یک از این جناح‌ها هر ازگاهی تغییر می‌کند و این تغییر ساختار در قطب‌بندی‌ها، بر تحلیل‌های جدید ژیوپولیتیک موثر است. مثلاً بعد از طرح مسایل برجام، قطر و ترکیه بیشتر به سوی ایران تمایل نشان داده اند و در این قطب عضو شده اند. عضو دیگری که در این قطب‌بندی موقعیت متناوب دارد، امارات متحده عربی است. با اینکه دولت امارات، در حوزه‌ی سیاسی با عربستان متحد است اما در مسایل اقتصادی شریک مهمی برای ایران است تاجایی‌که دومین کشور بعد از چین است که در روابط اقتصادی خود با ایران، بیشترین بده‌بستان‌های اقتصادی را دارد (پوراحمدی & دارابی, ۱۳۹۷, ص. ۵-۱۸).

با این‌که تحلیل جای‌گاه هریک از کشورهای خاورمیانه و جبهه‌بندی‌های فرعی‌تر دیگری نیز دراین منطقه در فهم خوب‌تری مسایل خاورمیانه به ما کمک می‌کند اما در این‌جا به‌عنوان نمونه روابط رقابت‌گونه‌ی ایران و عربستان را بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دو کشور عربستان و ایران از زمان‌های دور به این‌سو روابط رقابتی باهم داشتهاند که بعضاً با توجه به مسایل محیطی و داخلی، نحوه‌ی روابطشان فراز و فرود داشته است. اما بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نظام مذهبی در آن، روابط بین این دو بازیگر به سردی گرایید و بر وجه تعارضی آن افزوده شد (پوراحمدی & دارابی, ۱۳۹۷, ص. ۵). بعد از آن، رقابت سختی بین این دو بازیگر جریان دارد. این دو کشور در منطقه‌ی خاورمیانه هم‌سویی‌ها و ناهم‌سویی‌هایی دارند که متأسفانه رویکرد ناهم‌سو بر روی‌کرد همسویی در روابطشان برجسته بوده است. در حالی‌که اگر توجه بیشتری به‌خرج دهند و برای رهبری و مدیریت جهان اسلام صادقانه بنشینند و گفت‌وگو نمایند، زمینه‌ی همسویی نسبت به زمینه‌ی ناهمسویی بیشتر فراهم است. (امینی, ۱۴۰۱).

با توجه به جدیدترین راهبردهای این دو کشور در خاورمیانه متوجه می‌شویم که ایران یک راهبرد سیاسی و هویتی در منطقه دارد و با تأسی از استراتژی کلی این کشور، هویتی عمل می‌کند. در حالی‌که عربستان با اتخاذ راهبرد واقع‌گرایانه، رویکرد اقتصادی_تکنولوژیک در خاورمیانه دارد. شراکت عربستان با امریکا و اسراییل، اجازهدادن برای زنان در احراز مشاغل و مقامات بلند سیاسی و اداری و تحسین هنرمندان و موسیقی‌دانان از طرف زمامداران سیاسی این دولت، بیانگر نگاه واقع‌بینانه‌ی عربستان است. در حالی‌که ایران با پیش‌گیری راهبرد ایدیولوژیک، در خط نخست مبارزه با اسراییل قرار دارد و از گروه‌های نیابتی مذهبی در منطقه حمایت می‌کند و کمتر نگاه بازارمحور و اقتصادی دارد (سریع القلم, ۱۳۹۵, ص. ۱-۱۲).

چگونگی رابطه‌ی این دو کشور بر نظم ژیوپولیتیک خاورمیانه تاثیر مستقیم و حیاتی دارد. وصل و فصل اینها میتواند بر ثبات و بیثباتی این منطقه مؤثر باشد و بر قطب‌بندی‌های ژیوپولیتیک اثر داشته باشد. در دو سال اخیر روابط نسبتاً خوبی بین این دو کشور ایجاد شدهاست و در سال گذشته با میانجیگری عراق و چین نشست-های مهمی میان سیاستمداران هردو دولت برگذار شد. اگر روابط همکاری‌گونه‌ی فعلی بین این دو بازیگر ادامه داشته باشد، تأثیری مهمی بر کاهش منازعات منطقه داشته، اسراییل را به انزوا خواهد برد و برای خاتمه‌ی بحران فلسطین راه حل پیدا خواهد شد (امینی, ۱۴۰۱)

قابلذکر است که تقسیم‌بندی دوگانه‌ی فوق را به دلیل ساده‌سازی فهم مسایل پیچیده‌ی خاورمیانه انجام دادیم، در غیر آن، می‌توان نظم ژیوپولیتیک خاورمیانه و ساختارهای متفاوت آن را به گونه‌های متفاوتی توضیح داد. مثلاً یکی از ساختارهای مهم توضیح‌دهنده می‌تواند نظم سه‌قطبی ژیوپولیتیک (تقابل گفتمانی پان‌عربیسم، پان‌ترکسیم و پان‌ایرانیسم) باشد. ترکیه به عنوان میراث‌دار امپراتوری عثمانی با داشتن سابقه و تجربه‌ی قدرت در منطقه، یکی از قدرت‌های اصلی در قطب‌بندی‌های جدید خاورمیانه به‌حساب می‌آیدکه با قدرت‌گیری حزب «عدالت و توسعه» به رهبری رییس‌جمهور ترکیه، نگاه هویت‌محور و اسلام سیاسی تقویت شده است. اهمیت نقش ترکیه در مناسبات خاورمیانه تشکیل‌دهنده‌ی ضلع سوم «مثلث تاثیرگذار» در کنار دو ضلع یادشده‌ی قبلی، ایران و عربستان، می‌باشد (کوهستانی, نامی, & یزدان‌پناه درو, ۱۳۹۹, ص. ۱-۱۰)

عامل دیگری که در ساختاربندی‌های ژیوپولیتیک خاورمیانه نقش اساسی دارد، حضور اسراییل به عنوان تنها کشور غیر مسلمان و با داشتن حمایت‌های امریکا و اروپا، در این منطقه است. مسئله‌ی اسراییل و فلسطین از بدو تشکیل دولت اسراییل، همواره موضوع مناقشه‌برانگیز و یک مسئله‌ی حاد در خاورمیانه بوده است.

اسراییلی‌ها در نحوه‌ی تعامل شان با همسایگان منطقه‌ای، دفاع‌محور و امنیتی عمل می‌کنند اما در قبال کشورهای بزرگ و مسایل اقتصادی محاسبه‌گر و منطقی کار می‌کنند، ذهنیت امنیت‌محور و نظامی اسراییل متأثر از دو متغیر جغرافیا و تاریخ است. مساحت محدود جغرافیایی اسراییل و تقابل تاریخی آن با کشورهای مسلمان منطقه، از آن بازیگری واقع‌گرا و کنش‌گرا ساخته است.

در زمان کنونی با ضعیف شدن کشورهای مخالف اسراییل، زمینه‌ی قدرت‌نمایی اسراییل و نقش آن در مناسبات ژیوپولیتیک خاورمیانه تأثیرگذارتر از قبل شده است. فقیرشدن رو به‌تداوم مصر به عنوان یک قدرت تاریخی در منطقه، آسیب‌پذیری سوریه از جنگ‌های داخلی و آواره شدن ملیون‌ها سوری در نقاط مختلف جهان، مشکلات داخلی یمن، تحریم ایران و رکود اقتصادی در آن و شراکت اقتصادی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و عادی‌سازی روابط آن‌ها با اسراییل، همگی موجب گردن‌افرازی اسراییل شده و آن را در یک موقعیت برتر قرار داده است (سریع القلم, ۱۳۹۵, ص. ۲۹).

۲.۵ تاثیرات قدرت‌های جهانی در تحولات ژیوپولیتیک خاورمیانه

۱.۲.۵ نقش چین در ژیوپولیتیک خاورمیانه

حضور روزافزون چین در خاورمیانه موجب شده است که نقش آن کشور از خریدار صرفاً نفت به شکل‌دهنده حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و تکنالوژیکی تبدیل شود (Eslami & Papageorgiou, 2023). تعامل بیشتر خاورمیانه با چین به‌معنای به‌خطر افتادن منافع آمریکا در این ناحیه و سیطره‌ی بیچون‌وچرای آن است. وقتی آمریکا در زمان ریاست جمهوری اوباما سیاست چرخش به‌شرق را روی دست گرفت و از اهمیت خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا کاست، چین به‌صورت روز افزون به یک بازی‌گر موثر در این منطقه‌ای از جهان تبدیل شد. قابل یادآوری است که چین طی دو دهه‌ی گذشته به صورت فعال در خاورمیانه حضور داشته است و این حضور در قالب توافقنامه‌های استراتژیک و تفاهمنامه‌ها بوده است، چنان‌که چین و شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۱۰ گفتگوی استراتیژیک چین و کشورهای عربی در سال ۲۰۰۴ نشست همکاری برگزار نموده بودند. چین در سال ۲۰۱۶ پالیسی در قبال جهان عرب را به عنوان نقشه‌ی راه خود در قبال خاورمیانه روی دست گرفت که مهم‌ترین هدف این نشستها و توافقات، همکاری‌های اقتصادی میان چین و خاورمیانه مخصوصاً دست‌رسی چین به انرژی و بازارهای خاورمیانه است (Eslami & Papageorgiou, 2023). حضور و منافع چین در خاورمیانه مربوط به حوزه‌های ذیل است که به هرکدام آن‌ها به صورت جداگانه اشاره میشود:

۱.۱.۲.۵ اقتصاد و زیر ساخت: چین در سال ۲۰۲۰ به بزرگ‌ترین شریک تجاری شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شد و جای‌گاه اتحادیه‌ی اروپا را تصاحب نمود. چین غیر از حوزه‌ی نفت، به بزرگ‌ترین شریک تجاری عربستان سعودی و امارات متحده عربی تبدیل شده است. چین در پروژه‌ی «جاده و کمربند» هزینه‌ی هنگفتی را به خاورمیانه و شمال آفریقا اختصاص داده است. براساس گزارش پروژه‌ی جاده و کمربند، در سال ۲۰۲۲ در حدود ۲۳ درصد تمام این پروژه‌ی بزرگ، به‌خاورمیانه اختصاص یافته است(Eslami &Papageorgiou, 2023). سرمایه‌گذاری مشترک چین و عربستان در بندر اسلامی جده در دریای سرخ یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی چین در این منطقه به‌شمار میرود. از سوی دیگر چین و ایران توافقنامه‌ی مشارکت استراتژیک امضا نمودهاند که بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دالر میشود (Eslami & Papageorgiou, 2023).

۲.۱.۲.۵ تکنالوژی دیجیتال: چین به‌دنبال سرمایه‌گذاری عظیم در بخش G۵ در خاورمیانه است. کشورهای خاورمیانه به دنبال دیجیتال‌سازی اقتصادهای خویش هستند و عربستان یکی از مهم‌ترین طرف‌داران این روی‌کرد در بخش اقتصاد خود است.

۳.۱.۲.۵ دیپلماسی و ثبات سیاسی: چین به عنوان یکی از قدرتهای پیش‌رو و بزرگ جهان، نیازمند ثبات در خاورمیانه است. منافع چین به‌گونه‌ای طراحی شده است که با تمامی طرفها و بازی‌گران در این منطقه تعامل داشته باشد. چین بر خلاف آمریکا، جانب هیچ‌کدام از جناح‌های دیگر را نمی‌گیرد و بر این باور است که چالشهای خاورمیانه باید توسط خود این کشورها حلوفصل شود (Jin, Yahya, & Alghannam, 2024). از جانب دیگر روی‌کرد عدم مداخله‌ی چین در امور کشورهای دیگر، برای کشورهای خاورمیانه جذابیت ایجاد نموده است. سابقه‌ی چین به‌عنوان یکی از اعضای دول غیرمتعهد برای این کشور، این اعتبار را به دست آورده است که به راحتی به‌عنوان میان‌جی در خاورمیانهی پر آشوب پذیرفته شود و از جانب دیگر اصل سیاست عدم مداخله‌ی چین، برای کشورهای دیگر اطمینان بیشتری فراهم میکند تا سیاست خارجی مطلوب خود را دنبال کنند. میان‌جیگری چین میان ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ موجب گردید که این دو کشور روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند. از جانب دیگر این میان‌جیگری موجب توقف درگیری ایران و عربستان در لبنان، عراق، یمن، سوریه و بحرین شده است و دلیل اصلی عربستان برای آشتی با ایران، طرح بلندپروازانه‌ی ۲۰۳۰ آن کشور است که بدون صلح با ایران، تحقق این اجندا بسیار دشوار به‌نظر می‌رسد (Jin, Yahya, & Alghannam, 2024).

از جانب دیگر چین به یکی از مهمترین تأمین‌کنندگان اسلحه در خاورمیانه تبدیل شده است زیرا عدم تمایل آمریکا به فروش تسلیحات پیش‌رفته به کشورهای خاورمیانه باعث شده است چین از این فرصت استفاده نموده و نفوذ خود را عمیق‌تر نماید. فروش موشک‌های بالیستیک دونگ فِنگ[1] و طیاره‌های بی‌سرنشین بمب‌افگن وینگ لونگ[2] به کشورهای خاورمیانه و عضویت ایران، عربستان و قطر در سازمان همکاری شانگهای نشان‌دهنده‌ی نفوذ چین در خاورمیانه و ایجاد چالش در برابر منافع آمریکا در منطقه اورآسیا است (Eslami & Papageorgiou, 2023).

۲.۲.۵ نقش روسیه در ژیوپولیتیک خاورمیانه

روسیه یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت و فروشنده‌ی اسلحه در جهان است که بی‌ثباتی خاورمیانه مستقیماً به منافع آن کشور ربط دارد. از آن‌جایی‌که خاورمیانه منبع مهم نفتی جهان به شمار میرود، جنگ و آشوب در این ناحیه جهان میتواند به نفع روسیه باشد زیرا از یک طرف قیمت نفت در سطح جهانی بلند میرود و روسیه از این ناحیه سود می‌برد و از جانب دیگر، وجود جنگ در خاورمیانه باعث می‌شود روسها تسلیحات خود را به فروش برسانند. مهم‌تر از همه حضور پر رنگ آمریکا در خاورمیانه، برای منافع ملی روسیه تهدید به شمار میرود زیرا به هر اندازه‌ای که خاورمیانه تحت سیطره‌ی آمریکا قرار داشته باشد به‌همان اندازه روسیه از جاه‌طلبی‌های عصر شوروی فاصله می‌گیرد و احساس می‌کند که متحدان سنتی خود را در خاورمیانه از دست داده است. حضور و منافع روسیه در خاورمیانه به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود:

1. Dangfeng
2. Wing loong

۱.۲.۲.۵ بُعد نظامی-امنیتی: خاورمیانه از نیمه‌ی قرن بیستم یکی از مهم‌ترین بخشهای امنیتی-سیاسی نظام بین‌الملل به‌شمار می‌رود. رقابت شوروی و آمریکا در خاورمیانه بسیار برجسته بود چنان‌که از دهه‌ی ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ کشورهای عمده‌ی عربی به شمول مصر، عراق و سوریه به سمت شوروی گرایش داشتند ولی چرخش سادات رئیس‌جمهور مصر به سمت آمریکا، باعث گردید شوروی یکی از مهم‌ترین متحدان خود را در خاورمیانه از دست بدهد. با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا تقریبا بر تمام خاورمیانه سیطره پیدا کرد اما اشغال عراق توسط آمریکا و وقوع انقلابهای رنگی در اروپای شرقی، روسیه را به تجدید سیاست خارجی در منطقه وادار نمود. اما چرخش اساسی سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه پس از وقوع بهار عربی بود. جنگ داخلی سوریه و متزلزل شدن رژیم بشار اسد باعث گردید، روسیه تا آستانه‌ای از دست دادن یکی از متحدان اصلی خود در خاورمیانه پیش برود اما مسکو حاضر نبود آخرین متحد کلیدی خود را در جهان عرب از دست بدهد به همین دلیل به حمایت نظامی از سوریه و استقرار سیستم دفاعی اس ۴۰۰ در آن کشور اقدام نمود که این فعالیت‌ها در کنار حمایت ایران و حزب‌الله موجب بقای رژیم اسد گردید (Bahgat, 2021).

روسیه صرفاً به دنبال حفظ رژیم اسد در سوریه نیست بلکه خواهان حفظ حضور نظامی در خاورمیانه و دست‌رسی به آبهای مدیترانه است چنانکه روسیه از یک طرف به رژیم اسد کمک می‌نمود و از طرف دیگر، در برابر حملات هوایی اسرائیل در سوریه سکوت مینموده است و از جانب دیگر اگر رژیم سوریه تمامی مخالفان خود را از سر راه بردارد ممکن است دیگر برای مسکو در آن‌جا احساس ضرورت نشود.

۲.۲.۲.۵ بُعد اقتصادی: روسیه پس از سقوط شوروی به لحاظ اقتصادی در وضعیت بسیار ضعیف قرار داشت اما از سال ۲۰۰۰ به بعد روند رشد اقتصادی را شروع نمود. با توجه به اینکه نفت یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی روسیه به‌شمار میرود، آن کشور تلاش میکند که در روند تولید نفت، با کشورهای نفتی خاورمیانه هماهنگ و همسو عمل نماید تا مانع از سقوط بهای نفت شود. (سریع القلم, ۱۳۹۵).

۳.۲.۲.۵ فروش تسلیحات و تأسیس نیروگاه هسته‌ای: روسیه یکی از مهم‌ترین کشورهای پیش‌تاز در عرصه‌ی تکنالوژی هسته‌ای به شمار میرود و دوشادوش آمریکا بیشترین تعداد سلاح هسته‌ای جهان را به خود اختصاص داده است. از جانب دیگر، روسیه پس از آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی تسلیحاتی جهان به شمار میرود؛ هرچند در برخی عرصه‌ها نمی‌تواند با آمریکا رقابت کند. اما وقتی پای تحریم تسلیحاتی کشورها در میان باشد، روسیه یکی از بهترین گزینه‌ها برای تأمین تسلیحاتی کشورهای تحریم‌شده از جانب دولتهای غربی، به شمار میرود(Borisov, 2018).

علاوه بر فروش تسلیحات، روسیه یکی از مهم‌ترین سازندگان نیروگاه هسته‌ای در کشورهای خاورمیانه به‌شمار میرود؛ چنانکه در سال ۲۰۱۴ هشت نیروگاه هسته‌ای در بوشهر ایران ایجاد نمود. شرکت اتمی روسیه در جریان سفر پوتین به مصر قرارداد ایجاد نخستین نیروگاه هسته‌ای آن کشور را امضا نمود. در سال ۲۰۱۹ روسیه و ترکیه قرارداد ایجاد نیروگاه هسته‌ای آکویو[1] را به ارزش ۲۰ میلیارد دالر امضا نمودند که در نوع خود گرانترین قرارداد به شمار میرود (Bahgat, 2021).

1. Akkuyu

۳.۲.۵ نقش آمریکا در ژیوپولیتیک خاورمیانه

به‌صورت کلی منافع آمریکا در خاورمیانه به پنج دسته‌ی ذیل تقسیم میشود:

۱. حفظ جریان آزاد انرژی و تجارت به بازارهای جهانی؛
۲. مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛
۳. مبارزه با گروه‌های تروریستی؛
۴. حمایت از شرکا و متحدان در منطقه؛
۵. مبارزه و رقابت با گسترش نفوذ قدرت‌های بزرگ رقیب (Salem, 2020).

در ذیل به اهداف ایالات متحده در خاورمیانه به صورت جداگانه پرداخته میشود:

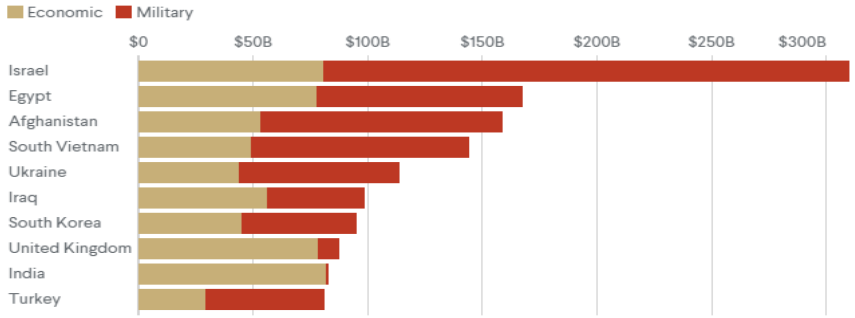
۱.۳.۲.۵ جریان آزاد انرژی:. آمریکا برای حفاظت و حراست از سلامت اقتصادی جهانی که خود در رأس آن قرار دارد، اگر از جریان آزاد انرژی و تجارت به بازارهای جهانی حفاظت ننماید، هرگونه خلل در بازار جهانی انرژی موجب میشود که آمریکا هم به لحاظ مالی آسیب ببیند و مهم‌تر از آن از دست رفتن اعتبار جهانی آمریکا است. کشورهای زیادی در اروپا و آسیا به حمایت امنیتی و نظامی آمریکا دلگرم هستند و هرگاه امنیت انرژی به خطر بیافتد و آمریکا نتواند در این مورد کاری کند، آمریکا نزد افکار عمومی این کشورها جایگاه خود را از دست میدهد و آنگاه کشورهای مذکور به سمت رقبای آمریکا کشیده خواهد شد. (Samaan, 2024).

۲.۳.۲.۵ مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی: آمریکا از سال ۱۹۶۴ که چین بمب اتمی خود را آزمایش نمود، به دنبال محدودکردن گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بوده است. آمریکا و شوروی در عین رقابت شدید، در مورد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای اتفاق نظر داشتند (Steinberg, 1998). چنانکه در این خصوص پیمان‌هایی را انعقاد نموده‌اند. پس از سقوط شوروی، آمریکا این هدف را دنبال نمود. کشورهای ضعیف‌تر مخصوصاً آن‌هایی‌که در تقابل آمریکا قرار داشتند برای حفاظت از خود به سلاح‌های مرگبار نیاز داشتند تا این امر بازدارندگی ایجاد نماید و کشورهای دیگر به راحتی جرأت نکنند که به آن‌ها حمله کنند. حمله‌ی آمریکا به عراق پس از اشغال کویت به دست صدام حسین، موجب گردید که کشورهای خاورمیانه به‌شمول عراق اینگونه احساس کنند که در برابر حملات قدرتهای بزرگ مانند آمریکا آسیب‌پذیر هستند و از همی‌نرو باید به سلاح‌های مرگ‌بار و بازدارنده مجهز شوند. عراق در سال ۲۰۰۳ به همین اتهام مورد حمله‌ی آمریکا قرار گرفت. آمریکا بر این باور است که اگر سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه گسترش پیدا کنند، این امر موجب میشود که گروه‌های مخالف آمریکا به‌راحتی بر منافع آمریکا یا متحدان آن در منطقه حمله نمایند. مخالفت آمریکا با برنامه‌ی اتمی ایران در راستای این راهبرد قابل تبیین است.

۳.۳.۲.۵ مبارزه با گروه‌های تروریستی: امروزه در کنار دولت‌ها، گروه‌های تروریستی به یکی از مهم‌ترین بازی‌گران امنیتی نظام بین‌الملل تبدیل شده‌اند. از آن‌جاییکه آمریکا و گروه‌های تروریستی خاورمیانه به لحاظ ایدئولوژیکی در تقابل آشتی‌ناپذیر قرار دارند، اگر به گروه‌های تروریستی اجازه‌ی فعالیت و تقویت داده شود آن‌ها به منافع آمریکا در خاورمیانه حمله خواهند کرد و حتی میتواند از خاورمیانه به صورت غیرمستقیم به خاک آمریکا حمله نمایند. با توجه به وضعیت اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه، این ناحیه‌ای از جهان بیش از

هرجای دیگر مستعد پرورش گروه‌های تروریستی است و از سوی دیگر آمریکا در خاورمیانه منافع حیاتی دارد که این گروه‌ها می‌توانند در آن خلل ایجاد نمایند. (Thrall & Goepner, 2017).

٤.٣.٢.٥ حمایت از شرکا و متحدان منطقه‌ای: تعداد زیادی از کشورهای خاورمیانه به‌شمول اسرائیل و عربستان به لحاظ امنیتی تا حد زیادی به آمریکا وابسته هستند. یکی از پایه‌های اساسی اعتماد کشورهای خاورمیانه به آمریکا، حمایت این کشور از نظام‌های مستقر در خاورمیانه است. زیرا برخی رژیم‌های این منطقه به تنهایی قادر به دفاع از خود نیستند و حضور نیروهای آمریکایی در آن کشورها، فراهم‌سازی تسلیحاتی از جانب آمریکا و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا در سطح بین‌المللی موجب شده است که برخی از این رژیم‌ها، علیرغم چالش‌هاییکه داشته‌اند دهه‌ها دوام بیاورند و اسراییل یکی از مهم‌ترین این کشورها به‌شمار میرود. جدول ذیل دریافت‌کنندگان کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا لیست گردیده که اسرائیل در رأس آن قرار دارد (Masters & Merrow, 2024).



٥.٣.٢.٥ مبارزه با نفوذ رقبا: چین و روسیه از جمله رقبای جهانی آمریکا به شمار میروند و ایران در خاورمیانه یکی از رقبای آمریکا محسوب میشود. آمریکا تلاش میکند تا نفوذ این کشورها را در منطقه‌ی خاورمیانه محدود نماید. به همین خاطر آمریکا تلاش میکند چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم جلو نفوذ بیشتر این کشورها را بگیرد. پیمان ابراهیم میان اسرائیل و کشورهای عربی با حمایت آمریکا منعقد شد که هدف عمده‌ی آن به حاشیه‌کشیدن نفوذ ایران در خاورمیانه بود (Zeidan, 2024)؛ اما حمله‌ی اسرائیل به غزه و کشته‌شدن هزاران فلسطینی فعلاً موجب شده است که پیمان ابراهیم نتواند کارکرد مؤثر از خود ارایه نماید.

۶. یافته‌های تحقیق

با جمع‌آوری و مرور معلومات به تغییرات ژیوپلیتیکی خاورمیانه پی بردیم. با عوامل موثر بر تغییرات ژیوپولیتیکی آشنا شدیم. ضمن معرفت با ساختار ها و قطب‌بندی‌های داخلی، اثرات قدرت‌های بزرگ در ایجاد و تقویت این ساختارها را بررسی کردیم. درلابلای مباحث توضیح دادیم که این ساختارها و قطب‌بندی‌ها چه تاثیراتی بر نوع کنش بازیگران و ایجاد وضعیت‌های تعارضی یا توافقی در این منطقه داشته است. در این قسمت برای درک بهتر و فهم ساده‌تر مسئله، مواردی موثر بر تغییرات ژیوپولیتیک و نقش آن بر صلح و ثبات بین المللی را در دوسطح تحلیل می‌کنیم، یکی سطح داخلی و و دیگری سطح بین‌المللی.

عواملی‌که در سطح داخلی بر تغییرات ژیوپولیتیکی و بحران های ژیوپولیتیکی اثربخش بوده و در ایجاد روابط صلح‌آمیز یا منازعه‌آمیز، میان واحدهای سیاسی در این منطقه نقش داشته و به تبع آن بر صلح و ثبات بین‌المللی نیز اثر گذار بوده اند را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: یکی عوامل بسترساز و دیگری عوامل زمینه‌ساز.

عوامل طبیعی یا بسترساز عبارت از:

- موجودیت منابع طبیعی
- موقعیت جغرافیایی ژیواستراتژیک
- موجودیت کشورهای کوچک منطقه‌ای

عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده عبارت اند از:

- قطب‌بندی‌های امنیتی وسیاسی (نظم دوقطبی)
- تقابل گفتمانی میان مثلث پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم (نظم سه قطبی)
- مقطعی‌بودن وتاکتیکی عمل‌کردن بازیگران
- موجودیت رژیم‌های اقتدارگرا
- اختلافات مذهبی- قومیتی (ساختار غیرمتجانس اجتماعی)
- اتخاذ رویکرد اقتصادی ـ فن‌آوری‌محوری بعضی از بازیگران

همه‌ی این عوامل که برچگونگی ایجاد نظم و صلح یا خلق فضای انارشیک و تعارضی اثرگذار بوده است و نظم جدیدی را در ژیوپولیتک خاورمیانه به وجود آورده است از دو منظر اقتصادی و سیاسی ـ امنیتی قابل تحلیل اند.

الف) از لحاظ امنیتی و سیاسی، به‌هرمیزانی‌که دولت‌های منطقه، رویکردهای ایدیولوژیک در پیش بگیرند به همان اندازه باعث مشکلات و منازعات در منطقه می‌شود. مشکلات امنیتی و مذهبی کشورهای عربستان و ایران و متحدین شان در منطقه باعث خلق بحران‌های ژیوپولیتیک می‌شود. تا زمانی‌که دولت‌ها به‌طبل هویت‌خواهی و مذهبی‌گرایی بکوبند و تصامیم جزم‌اندیشانه‌ی مذهبی بگیرند و نسبت به همدیگر نگاه هویتی داشته باشند، وضعیت تعارضی و رقابت‌گونه تداوم می‌یابد. با رویکرد مذهبی، ایران و عربستان درکنار یک میز نمی‌نشینند، با رویکرد مذهبی قطر و ایران دست هم‌دیگر را در مسئله‌ی برجام نمی‌گیرند. با رویکرد هویتی امارات و اسراییل با هم شریک و متحد نمی‌شوند با رویکرد ایدیولوژیک ایران و ترکیه یار و همکار نمی‌شوند.

ب) از لحاظ اقتصادی، اتخاذ راهبردهای اقتصادی موجب کاهش منازعات و ایجاد روابط بین دولت‌های متخاصم می‌گردد، با پیش‌گیری الگوی اقتصادمحور قطب‌بندی‌های تخریب‌کننده و بحران‌آفرین متزلزل می‌شود. به‌خاطر مسایل اقتصادی است که امارات به عنوان متحد سیاسی- مذهبی عربستان، شریک فعال اقتصادی ایران می‌شود. در رویکرد اقتصادی است که وزرای خارجه ایران و عربستان در کنار یکدیگر در میز پکن باهم می‌نشینند. با رویکرد اقتصادی است که کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، با اسراییل وارد تعامل می‌شوند، یعنی با این نگاه سودبخش است که «اسراییل اشغالگر» به «شریک فعال و نفع‌آور» تبدیل می‌شود. پس گفته می‌توانیم که رویکرد اقتصادی و فن‌آورانه‌ی تکنولوژیک موجب ایجاد صلح و ثبات در منطقه و به‌تبع آن نظام بین‌الملل می‌گردد.

عوامل بیرونی و مداخلات قدرت‌های بزرگ هم از دو منظر سیاسی- امنیتی و اقتصادی قابل تحلیل است. اگر نگاهی به مطالب این مقاله در بخش عوامل بیرونی تاثیرگذار بر بحران ژیوپولیتیک خاورمیانه بیاندازیم، می‌بینیم که آمریکا در قبال خاورمیانه رویکرد تلفیقی(سیاسی ـ امنیتی و اقتصادی) دارد، روسیه بیشتر نگاه سیاسی و امنیتی دارد. اما رویکرد اقتصادی چین بر نگاه سیاسی و امنیت‌محور آن، رجحان دارد. با عملی‌شدن رویکرد چین است که نگاه واقع‌گرایانه، محاسبه‌گر و نظم‌دهنده در خاورمیانه برجسته می‌شود، که پیامد این رویکرد، نگاه صلح‌آمیز را تقویت داده و رویکرد منازعه‌آمیز را کاهش می‌دهد.

در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت، ما نشانه‌های از تفوق رویکرد اقتصادمحور را بر رویکرد هویت‌محور در این منطقه می‌بینیم اگر این وضع ادامه پیدا کند و تقویت بیشتر شود یقینا بر صلح و ثبات منطقه و جهان تأثیرگذار است. نشانه‌ها این است که، آمریکا توجه خود را به سوی شرق آسیا نموده است، شاه عربستان رویکرد فوق‌العاده اقتصادی و فن‌آورانه را در پیش گرفته است. اگر در انتخابات ایران نامزد جریان اصلاح‌طلب رییس‌جمهور شود، این رویکرد بیش از پیش تقویت خواهد شد.

۷. نتیجه‌گیری

تغییرات ژیوپولیتیکی نقش مهمی بر صلح و منازعه‌ی بین‌المللی دارد. ساختارهای ژیوپولیتیکی در مناطق متفاوت، اثرات مختلفی بر صلح و جنگ دارد. ما در این مقاله نقش تغییرات ژیوپولتیکی خاورمیانه و تأثیر آن بر صلح و ثبات بین‌المللی را به‌بررسی گرفتیم. نتیجه‌گیری بحث را متناظری با سوالات فرعی تحقیق، به گونه‌ی زیر بیان می‌کنیم. اولین پرسش فرعی این بود که ژیوپولیتیک به چی معناست؟ در پاسخ به این سوال، ضمن بیان دیدگاه‌های متفاوت در مورد ژیوپولیتیک و ارایه‌ی تعریف‌های متفاوت، به این تعریف رسیدیم که «ژیوپولیتیک دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است». سوال دوم فرعی این بود که خاورمیانه چه نوع منطقه‌ی جغرافیایی است؟ در پاسخ به این پرسش، ضمن بیان اهمیت ژیوپولیتیک خاورمیانه، گفتیم: «خاورمیانه در اوایل به منطقه نفوذ انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم جهانی؛ یعنی به فلسطین، ماورای اردن و عراق اطلاق میشد. اما در حال حاضر خاورمیانه شامل ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه جزیره عربستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و سودان» است. سوال فرعی دیگر این گونه مطرح شده بود که عوامل موثر بر تغییرات ژیوپولیتیک چیست؟ برای ارایه پاسخ، دو نوع عوامل را معرفی نمودیم، یکی عواملی ثابت و دیگری عوامل متغیر. عوامل ثابت عبارت از (موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، توپوگرافی منطقه‌ی خاورمیانه، تغییرات زیست‌محیطی) وعوامل متغیر شامل (تغییرات سیاسی، رقابت قدرت‌های بزرگ، اختلافات مذهبی و قومیتی، مسایل جمعیتی و مهاجرت، نهادهای سیاسی_اجتماعی) می‌باشند. سوال فرعی و مهم دیگری این‌گونه طرح شده بود که، مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه کدام‌ها اند و چه نوع قطب‌بندی‌های سیاسی و اقتصادی در این منطقه وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال، مهم‌ترین کشورهای منطقه‌ای را بررسی کردیم که ایران، عربستان و ترکیه بودند و ساختارهای ژیوپولیتیک جدید خاورمیانه را توضیح دادیم. در این قسمت جناح‌بندی‌های سیاسی و امنیتی میان ایران و اعراب (نظم دوقطبی) را مورد کنکاش قرار دادیم و هم‌چنان تقابل گفتمانی پان ترکیسم، پان عربیسم و پان ایرانیسم (نظم سه قطبی منطقه‌ای) و اهمیت آن را در ایجاد ساختارهای جدید خاورمیانه و نوع منازعات و همکاری‌های متاثر از آن را بیان نمودیم.

در اخیر، برای پاسخ به سوال اصلی تحقیق، فرضیه‌ی تحقیق را به آزمایش گرفتیم و داده‌های جمع‌شده را، باتوجه به چارچوب نظری تحقیق، از دو منظر اقتصادی و سیاسی و در دو سطح تحلیل (منطقه‌ای و بین‌المللی) تحلیل کردیم. در سطح تحلیل منطقه‌ای، دریافتیم که قطب‌بندی‌های ژیوپولیتیک مبتنی بر امنیت و سیاست، منازعه‌زا و مناقشه‌برانگیز بوده اند، اما ائتلافات و جبهه‌گیری‌های اقتصادمحور و منطقی، صلح‌آمیز، ترقی‌جویانه و امیدوارکننده بوده است. زیرا در رویکرد اقتصادی شدیدترین رقبا در کنار هم فعالانه کار می‌کنند و شرکای نفع‌آور همدیگر هستند.

در سطح تحلیل بین‌المللی (جهانی) نیز به این موارد دست یافتیم که آمریکا در خاورمیانه نگاه تلفیقی «امنیت‌محور و اقتصادی) دارد. روسیه بیشتر امنیتی عمل می‌کند و رویکرد چین بیشتر اقتصادی و فن‌آورانه است. این نگاه اقتصادمحور، موجب ایجاد ساختارهای شده که زاینده و به‌وجودآورنده‌ی صلح است. نگاه چین، رویکرد اقتصادمحور خاورمیانه را تقویت نموده است و فضا را برای همکاری بین متخاصم‌ترین بازیگران در این منطقه فراهم ساخته است. با این نگاه اقتصادمحور است که اسراییل و اعراب با هم کار می‌کنند، بااین رویکرد اقتصادی ایران و امارات شریک مهم اقتصادی شده‌اند و با این رویکرد محاسبه‌گر است که نمایندگان سیاسی ایران و عربستان، با میانجی‌گری چین، اختلافات دراز دامن شان را کنار می‌گذارند و در کنار هم در میز پکن می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کنند. اگر این نگاه اقتصادمحور تقویت شود، تاثیرات مثبت و صلح‌جویانه‌ای را بر منطقه و جهان ارمغان خواهد داد در غیرآن، با رویکردهای هویت‌محور و ایدیولوژیک، بحران‌های ژیوپولیتیک نه تنها مدیریت و حل نمی‌شود بلکه خطرناک می‌شود که پیامدهای اسف‌بار، بر صلح وامنیتی منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت.

۸. منابع

منابع عربی و فارسی

۱. ابن منظور, آ. (۱۳۷۵). *لسان‌العرب*، چاپ چهارم، بیروت: دار صادر.
۲. امینی, ش. (۱۴۰۱). *هشت صبح*. بازیابی از هشت صبح: www.httpdewwdd
۳. پوراحمدی, ح., & دارابی, و. (۱۳۹۷). رقابت‌های ایران و عربستان در خاورمیانه در چارچوب نظریه موازنه منافع شوئلر ۲۰۱۵– ۲–۱۷. *فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره چهارم، شماره* هشتم، ۱۲۵–۱۵۱.
٤. جان پرور, م., & قربانی سپهر, آ. (۱۳۹۶). ژیوپولیتیک شهری. *انجمن ژیوپولیتیک ایران*, ۲۷–۶۹.
٥. خوب‌روی‌پاک, م. (۱۳۹۱). *نقد برفدرالیسم، تهران*: پردیس دانش.
۶. ده‌خدا, ع. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۷. رحیمی, س. (۱۳۹۷). *ژیوپولیتیک افغانستان در قرن بیستم؛ تحولات، رویکردها و پیامدها*. کابل: مقصودی.
۸. ژرژ, پ. (۱۳۴۹). *ژیوپولیتیک*. ترجمه‌ی ح. رکنی، تهران: دانشگاه پدافند ملی.
۹. سریع‌القلم, م. (۱۳۹۵). نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه. *پژوهشنامه علوم سیاسی*, ۱۲(۱), ۱۱۶–۱۱۹.
۱۰. سریع‌القلم, م. (۱۳۹۶). ژیوپولیتیک خاورمیانه، تهران، ایران. بازیابی از https://youtu.be/gttjZtp4sdE?si=29vWA77SMN38xGu0
۱۱. شیهان, م. (۱۳۸۸). *امنیت بین الملل*، ترجمه‌ی سید دهقانی فیروز آبادی، تهران: سمت.
۱۲. عزتی, ع. ا. (۱۳۹۰). *ژئوپلیتیک*. تهران: سمت.
۱۳. قاسمی, فرهاد (۱۳۸۹) *اصول روابط بین الملل*، چاپ سوم، تهران: میزان.
۱۴. قامت, ج. (۱۳۸۸). جای‌گاه خاورمیانه در اندیشه‌های ژیوپولیتیک. *مجله دانش‌نامه*, ۹۱–۱۰۰.

۱۵. قدسی, ا. (۱۳۹۰). تحولات ژیوپولیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها. *فصل‌نامه مطالعات بیداری اسلامی*, ۱۵۳-۱۶۹.
۱۶. کوهستانی و دیگران (۱۳۹۹). آینده‌نگری روند بحران‌های ژیوپولیتیکی در خاورمیانه پس ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. *فصل‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*, ۲۸۱۳-۲۸۲۷.
۱۷. کوهستانی, ن. (۱۴۰۲). بررسی اهمیت ژیوپولیتیک خاورمیانه وتضادمنافع قدرت های بین المللی و منطقه‌ای. کابل، افغانستان. بازیابی از https://youtu.be/IsiuNjp-gmc?si=E_kmKBtF_g38kW6O
۱۸. کوهن, ساموئل برنارد (۱۳۷۸) *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه‌ی ع. کاردان، تهران: ابرار معاصر.
۱۹. کیانی, و. (۱۳۹۷). تحلیلی بر کلان‌روایت‌های ژیوپولیتیکی مسلط در خاورمیانه. *فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه, سال پنجم*، شماره سوم ۱۱-۳۲.
۲۰. متقی, ا. (۱۳۹۷). نگرشی نو در بازتعریف مفهوم ژیوپولیتیک صلح. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل, سال چهارم*، شماره بیست و هفتم), ۱۲۷-۱۶۱.
۲۱. مجتهدزاده, پ. (۱۳۹۶). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
۲۲. مصلی‌نژاد, ع. (۱۴۰۳). چالش‌های سیاست‌گذاری امنیتی خاورمیانه در عصر بحران‌های ژیوپولیتیک. *فصل‌نامه ژیوپولیتیک*, ۱-۲۵.
۲۳. ملکی, ع. (۱۳۹۷). سیاست‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه. *فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*, ۳۴۹-۳۵۹.
۲۴. مورگنتا, ه. (۱۳۷۴). *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه‌ی حمیرا مشیزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل.
۲۵. موسوی شفایی, م. (۱۳۹۵). ضرورت گذار از ژیوپولیتیک وحشت خاورمیانه‌ای به ژیواکونومی امید آسیایی. *فصل‌نامه مطالعات راهبردی، دوره نزدهم* شماره چهارم، ۱۹۰-۲۱۱.
۲۶. هیوود, ا. (۱۳۹۶). *سیاست جهانی*. ترجمه‌ی سید مسعود موسوی شفایی، تهران: سمت.
۲۷. یزدانی, ع., & شجاع, م. (۱۳۸۶). ژیوپولیتیک جدید خاورمیانه و رقابت قدرت‌ها، *دانش سیاسی, سال سوم، شماره* دوم, ۸۵-۱۱۱.

منابع انگلیسی

28. Borisov, T. (2018). *Russian arms exports in the.* Paris: European Union Institute for Security Studies (EUISS).
29. Masters, J., & Merrow, W. (2024, May 31). Retrieved from Council on Foreign Relations: https://www.cfr.org
30. Steinberg, G. (1998). U.S. Responses to Proliferation of WMD in the Middle East. *Middle East Review of International Affairs, 2*(3), 1. Retrieved from https://ciaotest.cc.columbia.edu
31. Thrall , A., & Goepner, E. (2017, June 26). Retrieved from CATO Institute: https://www.cato.org/
32. Bahgat, G. (2021). Russia and the Middle East: Opportunities and Challenges. In G. Herd, *Russia's Global Reach: A Security and Statecraft Assessment* (pp. 72-79). Garmisch-Partenkirchen: George C. Marshall European Center for Security Studies.
33. Eslami, M., & Papageorgiou, M. (2023, June 2). Retrieved from Georgetown Journal of International Affairs: https://gjia.georgetown.edu/2023/06/02/
34. Jin, L., Yahya, M., & Alghannam, H. (2024, March 20). Retrieved from carnegieendowment: https://carnegieendowment.org/posts/2024/03/

35. Salem, P. (2020). *Challenges & Opportunities for US Policy in the Middle East.* Washington DC: Middle East Institution. Retrieved from https://www.jstor.org/stable/resrep25885.3
36. Samaan, J.-L. (2024, May 16). Retrieved from Atlantic Council: https://www.atlanticcouncil.org/
37. Scobell, A. (2023, November 1). Retrieved from United States Institutes of Peace: https://www.usip.org/publications/2023/11/what-china-wants-middle-east
38. Zeidan, A. (2024, June 1). Retrieved from Encyclopedia of Britannica: https://www.britannica.com